

تنگه‌ی بهرام چوبین و مجموعه‌ی آثار تاریخی آن

حمید محمدی^۱
مجید ساریخانی^۲
یاسر مردانی^۳

چکیده

شهرستان دره‌شهر از گذشته‌های دور به‌ویژه در دوره‌ی ساسانیان از رونق و اهمیت بالایی برخوردار بوده است. میزان اهمیت این منطقه، زمانی روشن می‌شود که در متون اوایل دوره‌ی اسلامی، با گزارش‌های فراوانی از مورخان صدر اسلام، در مورد شهر سیمره، روبه‌رو می‌شویم؛ از طرف دیگر، وجود آثار فراوان از دوره‌ی ساسانی در شهر سیمره و وجود راه‌های مهم و استراتژیک که از این منطقه عبور کرده‌اند، نشان از اهمیت بسزای آن در دوران ساسانی دارد؛ از جمله راه‌های مهم، مسیری است که از شوش آغاز شده و پس از گذشتن از سیمره به زاگرس مرکزی رسیده است و دیگری، شاهراهی است که پس از عبور از لرستان به فلات مرکزی وارد شده است. کاوش‌هایی که اخیراً در حوزی دریاچه‌ی سد سیمره، انجام گرفت، زوایای دیگری از گذشته‌ی این دیار؛ به‌ویژه در دوره‌ی ساسانی را روشن ساخت. در ده کیلومتری شهرستان دره‌شهر به سمت پل دختر، تنگه‌ی بهرام چوبین قرار دارد. این تنگه، شامل مجموعه‌ی بناهایی است که حصار طبیعی صخره‌های کبیر کوه و بارویی بلند و طویل آنها را احاطه کرده است. در این پژوهش تلاش شده است تا با معرفی این مجموعه‌ی تاریخی-فرهنگی، درک بهتر و علمی‌تری از آن به‌دست آید. هدف از این پژوهش، آشنایی با نحوه‌ی ساخت و مدت زمان مسکون بودن این تنگه و تعیین قدمت آن است. در این راستا پس از بررسی‌هایی که در سطح تنگه به‌عمل آمد، به تهیه‌ی پلان از بناهای موجود در آن اقدام شد و از سفال‌های به‌دست آمده، طراحی و با سفال‌های مناطق دیگر مقایسه گردید. حاصل پژوهش نشان می‌دهد که مجموعه‌ی مورد نظر مربوط به اواخر دوره‌ی ساسانی و قرون اولیه‌ی اسلامی است.

واژه‌گان کلیدی: تنگه بهرام چوبین، سیمره، کبیر کوه، دره‌شهر.



مقدمه

شهرستان دره شهر از سمت جنوب با کبیر کوه و آبدانان، از شمال و شرق با استان لرستان و از غرب با شهرستان بدره هم مرز است. این شهرستان، دشتی وسیع با خاک بسیار مناسب جهت کشاورزی دارد که با عبور رودخانه‌ی پرآب سیمره، سیرآب می‌شود؛ به واسطه‌ی قرارگیری در مرز میان دو منطقه‌ی پیشکوه و پشتکوه از اهمیت بسزایی برخوردار است؛ از طرف دیگر، وجود مسیرهای ارتباطی میان این منطقه با زاگرس مرکزی و فلات مرکزی بر اهمیت آن افزوده است؛ با این حال، این منطقه تا کنون به‌طور شایسته‌ای مورد پژوهش قرار نگرفته است. می‌توان گفت که سیمین لک‌پور، جدی‌ترین عملیات باستان‌شناختی را در منطقه‌ی حفاری شهر سیمره انجام داده و طی هشت فصل کاوش، اطلاعات بسیار مفیدی را ارائه نموده است.

این مقاله برای درک بهتر از چگونگی و کم و کیف آثار تاریخی شهرستان دره شهر به شناخت، بررسی و معرفی یکی از مهمترین محوطه‌های تاریخی این دیار؛ یعنی تنگه‌ی بهرام چوبین می‌پردازد. در این راستا بناها و سفال‌های بدست آمده از این تنگه را تا حد امکان، با دیگر بناهای مشابه، مقایسه می‌کند. با توجه به نام و نحوه‌ی ساخت بناها می‌توان گفت: این تنگه مربوط به دوره ساسانی است. بر این اساس، سعی می‌شود از زمان ساخت و مسکون بودن آن اطلاعات مناسبی، به دست آید (شکل ۱ و ۲).

موقعیت جغرافیایی و پیشینه‌ی پژوهشی

این تنگه در استان ایلام، در ده کیلومتری شهرستان دره شهر و در مسیر ارتباطی این شهرستان به پلدختر، در سمت راست جاده و در جهت جنوب، قرار گرفته است. در شمال شرق تنگه، روستای «ارمو» واقع شده است. این تنگه در دامنه‌ی کبیر کوه قرار دارد و به لحاظ طبیعی، بسیار مرتفع و غیرقابل نفوذ است. دو دیوار صخره‌ای طبیعی با شیب بسیار تند و مرتفع، تنگه را در آغوش گرفته و تنها راه ورودی آن، دهانه‌ی آن است که دیوارهای طبیعی با سطح زمین، همسان می‌شوند. زمین‌های مناسب، جهت ساخت و ساز در داخل تنگه، بسیار محدود هستند و بستر مسیل رودخانه آنها را به دو قسمت شرقی و غربی تقسیم می‌کند. جهت تنگه، جنوبی - شمالی است و در موقعیت ۷۲°۸۹'۳۵ طول جغرافیایی و ۳۶°۶۳'۴۲ عرض جغرافیایی و ارتفاعی معادل ۶۸۱ متر از سطح دریا قرار گرفته است. شهر سیمره (دره شهر) در جنوب شرقی استان ایلام، با طول ۳۲ درجه و ۷ دقیقه و عرض ۴۷ درجه و ۲۱ دقیقه، واقع شده است. این شهر، در واقع یک دشت میان کوهی است که از شمال با کوه مَله و رودخانه‌ی سیمره از لرستان و از جنوب توسط کبیر کوه از آبدانان (پشت کوه) جدا می‌شود. دشت دره شهر به واسطه‌ی وجود رود سیمره و زمین‌های بسیار حاصل خیز از کشاورزی پر رونقی برخوردار است. این منطقه در اواخر دوره‌ی ساسانی، مورد توجه شاهان این سلسله بوده است. وجود پل‌های ساسانی که از خرم‌آباد تا دره شهر ادامه دارند، گواه این امر است. شهرستان دره شهر از گذشته‌های

دور به نام‌های «سیمره»، «مهرجان قذق»، «مهرجان گدک و ماسبذان» در متون معروف بوده است (ابن حوقل، ۱۳۴۵: ۱۰۱-۲۲ و اصطخری، ۱۳۶۸: ۸۹). ابن اثیر جزری در کتاب لباب‌الالباب به نام «سیمره» اشاره کرده است و آن را مربوط به «ولایت جبال» می‌داند. لسترنج نیز «مهرجان قذق را همان «سیمره» می‌داند (لسترنج، ۱۳۳۷: ۲۱۸). مقدسی، شهر سیمره را به زمان «قباد پسر پیروز شاه ساسانی» نسبت می‌دهد (مقدسی، ۱۳۶۱: ۳۷۲ و ۵۸۸). راولینسون، «از قول لرهای ساکن دره‌شهر، آن را شهر خسرو پرویز» می‌نامد (راولینسون، ۱۳۶۲: ۶۴ و ۶۶). اشتاین، آن را «شهری اشکانی» می‌داند که در زمان ساسانیان، آباد شده است (اشتاین، ۱۹۴۰: ۲۰۶ و ۲۰۸).

«در سال ۱۳۶۲ از طرف سازمان میراث فرهنگی گروهی، به سرپرستی کامبخش فرد، برای بررسی و گمانه‌زنی به دره‌شهر آمدند و نقشه‌ی عرصه‌ی دائم شهر را تهیه و به تصویب رساندند» (کامبخش فرد، ۱۳۶۸: ۶۵). «اولین فصل کاوش در دره‌شهر، در سال ۱۳۷۴ توسط نصرالله معتمدی آغاز شد و طی چند فصل، توسط سیمین لک‌پور ادامه پیدا کرد» (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۱۵). «لک‌پور با بیرون کشیدن پی بناهای شهر، به این نتیجه رسید که دره‌شهر «فاقد هرگونه معماری قدیمی تر از آن است» (همان: ۲۲). وی «مجموعه بناهای تنگه بهرام چوبین را مربوط به دوره‌ی ساسانی» می‌داند (همان: ۱۴).

مواد و روش‌ها

مواد و داده‌های این پژوهش، حاصل بررسی‌هایی است که از تنگه‌ی بهرام چوبین به عمل آمده است. نگارندگان پس از چند مرحله بازدید از سطح تنگه به لزوم شناخت هر چه بیشتر این مجموعه، پی بردند و بر این اساس به بررسی سطح تنگه مبادرت نمودند و پلان بناهای موجود را تا حد ممکن، طراحی کردند؛ سپس، با طراحی سفال‌های به دست آمده از سطح تنگه به مقایسه‌ی آن‌ها با سفال‌های به دست آمده از سایر مناطق پرداختند. این مقایسه، معیار گاهنگاری تنگه به حساب می‌آمد.

بحث و بررسی

مجموعه آثار معماری تنگه‌ی بهرام

در تنگه‌ی بهرام چوبین، آثار معماری فراوانی به چشم می‌خورد تا جایی که زمین مناسب، جهت ساخت و ساز باقی نمانده است. عمده‌ی بناهای این تنگه، عبارتند از: ۱. در ورودی؛ ۲. پل و سیل‌بند؛ ۳. برج و باروی شرقی و غربی؛ ۴. مجموعه بناهای شرقی تنگه؛ ۵. دست‌کندها (سنگ‌آب)؛ ۶. بنای نیایشگاهی؛ ۷. استراحتگاه؛ ۸. برج و باروی جنوبی؛ ۹. آثار معماری غرب تنگه.

۱. در ورودی

در بدو ورود به تنگه، اولین بنایی که دیده می‌شود، در ورودی بنا است. این درب با عرض ۱۲۰ سانتیمتر، رو به شمال، قرار دارد و در میان دو باروی شرقی و غربی واقع شده که بعد از فرود آمدن باروها در سطح صاف زمین دهانه تنگه، قرار گرفته است. بقایای این در، ارتفاعی در حدود ۱۷۰ سانتیمتر دارد. به نظر می‌رسد که در گذشته با نوعی طاق (احتمالاً جناغی) پوشش داده شده که



امروزه از بین رفته است (شکل ۳).

۲. پل و سیل بند

این بنا، چسبیده به درِ ورودی تنگه است. ساکنان تنگه، به خاطر وجود رودخانه‌ای که در میان تنگه جاری است، به ساخت پل و سیل بند اقدام نموده‌اند تا هم به قسمت‌های مختلف تنگه دسترسی داشته و هم مانعی جهت مهار سیلاب‌ها ایجاد کرده باشند. این رودخانه در فصل‌های پاییز و زمستان، سیلاب‌های حاصل از بارندگی‌های کبیر کوه را به پایین هدایت می‌کند؛ ولی در بهار و تابستان آب کمتری دارد. این در حالی است که در دهه‌های اخیر و به علت خشکسالی‌های مداوم، آب رودخانه در تابستان کاملاً خشک می‌شود؛ چنان‌که گفته شد، در روزگار گذشته، ساکنان تنگه، جهت دسترسی به قسمت غربی، اقدام به ساخت پل کرده‌اند. این پل یک چشمه (دهانه) داشته و ستون‌های آن به صورت مربع مستطیل، ساخته شده‌اند (طرح شماره ۱). ضخامت ستون‌ها در حدود ۳ متر و ارتفاع آنها در حدود ۴ تا ۵ متر می‌باشد (شکل ۴ و ۵). در مورد نوع طاق و شیوه‌ی اجرای آن نمی‌توان اظهار نظر کرد؛ چراکه به جز ستون‌ها چیزی از پل باقی نمانده است. این پل از سمت شرق به دیوار درِ ورودی و از سمت غرب به باروی غربی تنگه، متصل شده است تا ارتباط میان قسمت‌های شرقی و غربی تنگه برقرار کند. وجود شیب زیاد کوه و وقوع سیل‌های بسیار، احتمال وجود سیل بند را افزایش می‌دهد؛ چیزی که از آن اثری باقی نمانده است. از طرفی وجود دهانه‌ی پل و فاصله‌ی میان آن، می‌بایست تحت کنترل می‌بوده است. حال آنکه به چه وسیله‌ای سعی در حفاظت آن داشته‌اند، اثری بر جا نیست. لازم به ذکر است که دیوار بسیار ضخیمی میان درب ورودی و ستون شرقی پل، وجود دارد که احتمالاً در آن، پست‌هایی جهت محافظت از درِ ورودی و پل ایجاد کرده‌اند.

۳. برج و باروی غربی و شرقی

موقعیت خاص جغرافیایی تنگه، شکل خاص ورودی و دیوارهای صخره‌ای بسیار بزرگی که در جلوی ورودی آن قرار گرفته؛ به طور طبیعی باعث حفاظت از تنگه می‌شده‌اند. این دیوارهای طبیعی از بالا به کوه وصل بوده و با شیبی بسیار تند، به سمت دهانه‌ی تنگه، سرازیر می‌شوند. در قسمت شرقی و پس از پایان این صخره‌ها زمین، صاف شده که درِ ورودی، در آنجا قرار گرفته است. در سمت غربی، در انتهای صخره یک پرتگاه بلند و رو به پایین قرار دارد که به مسیر رودخانه منتهی می‌شود. به جهت پایین آمدن صخره‌ها به شکل پله‌ای، دیوارهای باروی شرقی و غربی به صورت پله‌ای طراحی و ساخته شده‌اند. شیب صخره‌ای که دیوار شرقی بر روی آن بنا شده، بسیار تند است؛ به نحوی که کمتر کسی می‌تواند از این دیواره صخره‌ای بالا برود. باروی شرقی، یک برجک دیده‌بانی دارد که در جلوی باروی شرقی قرار گرفته است. این برجک بسیار محقر و کوچک، دارای ۲ متر ارتفاع، ۱/۵ متر قطر داخلی و ۴۰ سانتیمتر ضخامت می‌باشد که با پلانی دایره‌ای شکل، ساخته شده است. سقف آن، با قلوه‌سنگ و ملات ساروج به صورت گنبدی کوچک با خیز بسیار

کم، اجرا شده است. تعدادی سوراخ در بدنه‌ی برجک تعبیه شده که برای دیدن مناظر بیرون از آنها استفاده می‌کرده‌اند (طرح شماره ۲). قرارگیری برج‌ها در کنار باروی شرقی و غربی به نحوی است که کاملاً بر دشت دره‌شهر و مناطق اطراف آن مسلط هستند؛ به گونه‌ای که هرگونه تحرک در اطراف، قابل دیدن و کنترل است. باروی شرقی که در میان دیوار صخره‌ای و ستیغ آن بنا شده است، در حدود ۲۰۰ متر طول دارد و ضخامت آن در قسمت‌های مختلف، از ۱/۵ تا ۳ متر متغیر است. دیوار، به واسطه‌ی بستر صخره‌ای و سنگی کوه، فاقد پی است؛ همچنین، شیب زیاد دیوار و پله‌ای بودن آن، امکان رفت و آمد را محدود کرده است. دسترسی به باروی شرقی و برج آن از طریق راه مارپیچی که در داخل تنگه و در سمت شرق قرار دارد، صورت می‌گرفته است. عمده‌ی مصالح ساخت بارو و سایر بناهای تنگه، قلوه‌سنگ‌های ریز و درشت نتراشیده با ملات ساروج است (شکل ۶ و ۷). باروی غربی نیز در تقارن با باروی شرقی و مانند آن ساخته شده است. طول تقریبی آن در حدود ۲۰۰ متر و ضخامت دیواره‌ی آن بین ۱/۵ تا ۳ متر است. در بعضی از قسمت‌های بارو، دیوارهایی با ارتفاع ۴ متر دیده می‌شود. برج غربی نیز با اندک تغییری در جزئیات، همانند برج شرقی است. در ورودی برج غربی، بر خلاف برج شرقی که به سوی جنوب است، رو به غرب دارد. راه دسترسی نگهبانان نیز از داخل تنگه و مشابه نمونه‌ی شرقی آن، در غرب تنگه ایجاد شده است (شکل ۸ و ۹ طرح شماره‌ی ۲).

۴. مجموعه بناهای شرقی تنگه

به محض ورود و عبور از در اصلی تنگه، در سمت چپ و راست قسمت شرقی، شاهد یک مجموعه معماری هستیم. قسمت راست، به علت خرابی و آوار زیاد، چیز زیادی از آن برج‌ای نمانده است؛ ولی از پایین و در بستر رودخانه به سمت بالا، یک ردیف از طاق‌های ضربی دیده می‌شوند؛ احتمالاً بناهای دیگری نیز وجود داشته که به‌وسیله‌ی آب و سیل از بین رفته‌اند؛ اما آثار معماری سمت چپ آن تا حدود زیادی از بین رفته‌اند و دیوارهای باقی مانده، ارتفاعی در حدود ۱/۵ متر باقی دارند. این بناها شامل ۷ اتاق هستند (طرح شماره ۳). اتاق ۶ به صورت کشیده و تا حدودی باریک، ساخته شده است؛ ضخامت دیوارها در حدود ۶۰ سانتیمتر است؛ اتاق‌های شماره ۱ و ۲ که تا حدودی ضلع شرقی آنها توسط آب شسته شده و دارای ابعاد ۸×۴ و ۷×۴ متر هستند. اتاق‌های شماره ۳ و ۴ نیز به ترتیب ۱۵×۴ و ۷×۱۵ متر، بُعد دارند و رو به شمال هستند. در اتاق شماره ۴ آثاری از ساخت و ساز و اجرای طاق نیز دیده می‌شود. اتاق شماره ۵ به صورت افقی و پشت به چهار اتاق یاد شده، قرار گرفته است و دارای ابعاد ۱۵×۴ متر است. در قسمت جنوب این اتاق و چسبیده به دیواره‌ی کوه، دو اتاق دیگر به صورت عمودی و رو به شمال، ساخته شده‌اند که دارای ابعاد ۱۰×۴ و ۱۰×۶ متر هستند. مصالح آن‌ها نیز قلوه‌سنگ و ملات ساروج است. با توجه به نحوه‌ی ساخت و شکل اتاق ۶ و وجود نمونه‌ای از آثار طاق در اتاق شماره ۴، می‌توان احتمال داد که سقف آن‌ها به صورت طاق آهنگ، ساخته شده بوده که جهت انباری و اصطبل مورد استفاده قرار می‌گرفته‌اند.



۵. دست‌کندها (سنگ‌آب)

پس از عبور از آثار معماری ورودی تنگه و به سمت جنوب، در شرق و چسبیده به دیواره‌ی صخره‌ای کوه، چشمه‌ای دیده می‌شود که در بین شکاف صخره‌های کوه، جریان دارد. ساکنان تنگه، برای بهره‌برداری از آب چشمه، به کندن پنج حوضچه در درون بستر سنگی کوه اقدام کرده‌اند. این دست‌کندها به وسیله‌ی قلم و اسکنه، تراشیده شده‌اند؛ کما اینکه آثار کنده‌کاری آن به صورت پرداخت نشده، هنوز هم قابل مشاهده و تشخیص است.

این دست‌کندها جهت انبار آب و استفاده‌ی بیشتری ایجاد شده‌اند. علت ساخت این سنگ‌آب‌ها، شیب زیاد سطح چشمه و باقی نماندن آب داخل آن است. در سال‌های اخیر، میراث فرهنگی استان ایلام، دست‌کندها را از خاک‌ها و رسوباتی که طی سال‌های متمادی در آنها جمع شده بود، تخلیه کرده است (شکل ۱۰). دست‌کند شماره ۱، ابعادی به طول ۴ متر، عرض ۱/۶۰ متر و عمق ۳ متر و سنگ‌آب شماره ۲، ابعادی به طول ۳ متر، عرض ۱ متر و عمق ۱/۵ متر دارد. این دو دست‌کند در کنار هم و در سمت راست و سه سنگ‌آب دیگر در سمت چپ، قرار دارند. در سنگ‌آب شماره ۱ اثر نقش برجسته‌ای از سر حیوانی - احتمالاً گاو یا اسب - نمایان است که به شدت آسیب دیده است.

دست‌کند شماره ۳ با ابعاد ۲/۵ متر در طول، ۱/۲۰ متر در عرض و ۲ متر عمق، ساخته شده است. دست‌کند شماره ۴، ۳ متر طول و ۲/۵ متر عرض دارد؛ ولی عمق آن به خاطر انباشت خاک و وجود مقدار آبی که داخل آن است قابل دیدن نیست. دست‌کند شماره ۵ که با پهنای ۷۵ سانتیمتر، درازای ۱ متر و عمق ۶۰ سانتیمتر است، کوچکتر و پایین‌تر از دست‌کندهای دیگر و در سمت چپ قرار گرفته است. در کف آن نیز سوراخ کوچکی جهت تخلیه آب تعبیه شده است (شکل ۱۱).

نحوه‌ی قرارگیری سنگ‌آب‌ها به گونه‌ای است که پس از پر شدن هر یک از آنها، آب سرریز کرده و توسط شیارهای باریکی که در میان آنها ایجاد شده است به سنگ‌آب پایینی می‌ریزد. در نهایت با ریختن آب به دست‌کند شماره ۵ از طریق شیار کم عمق، از شیب تند بستر صخره‌ای، به پایین هدایت می‌شود. در حال حاضر، فقط دست‌کند شماره ۴ آب دارد و بقیه، خشک هستند (طرح شماره ۴).

۶. بنای نیایشگاهی

بنای نیایشگاه روبه‌روی دست‌کندها و در غرب آنها قرار دارد. در پشت این بنا، مسیل رودخانه، قرار دارد. بنای مذکور با ۱۰ متر ارتفاع به مسیل رودخانه، منتهی می‌شود. شاید بتوان گفت مهم‌ترین بنای ساخته شده در تنگه است (شکل ۱۲ و ۱۳). بنای نیایشگاه شامل یک اتاق مرکزی و دو اتاق کوچک‌تر در طرفین است. اتاق شمالی به اتاق مرکزی، چسبیده است و تنها راه ورودی به آن از اتاق مرکزی می‌گذرد. پلان اتاق گونیا نیست؛ چنان‌که و طول دیوار غربی ۳ متر و طول دیوار شرقی ۴



متر می‌باشد. در ورودی آن، ۷۰ سانتیمتر عرض دارد که با طاق جناغی کوتاه، پوشیده شده است. قطر دیوارهای شمالی بنا در حدود یک متر است.

اتاق مرکزی که در وسط دو اتاق دیگر واقع است، نیز یک ورودی دارد که در سمت جنوب قرار گرفته است. ابعاد این بنا ۵×۴/۵ متر است. دیوار ضلع غربی بنا به‌طور کامل فرو ریخته و آوار آن در مسیر رودخانه ریخته شده و امکان هرگونه توصیف و تفسیری از ویژگی‌های دیوار و پنجره‌های احتمالی را از بین برده است؛ اما در مقابل آن، در ضلع شرقی و درون دیوار، دو طاقچه به عرض ۴۰ سانتیمتر، ایجاد شده که سقف آنها به‌صورت طاق، اجرا شده است. در این طاقچه‌ها آثار سوختگی به چشم می‌خورد. در وسط اتاق مرکزی، دو پشتیان جلو آمده از دیوار، به شکل مستطیل دیده می‌شوند که یکی در دیوار شمالی و دیگری در میان دیوار جنوبی قرار دارد. قطر هر کدام از آنها در حدود کمتر از یک متر است. با توجه به آثار طاقی که بر روی دیوارهای اتاق مرکزی قرار دارد، می‌توان کاربرد این پشتیان‌ها را در جهت حمل بار ناشی از رانش طاق‌ها دانست. طاق به کار رفته در این بنا به‌صورت طاق آهنگ بوده است (طرح شماره ۵).

اتاق جنوبی توسط راهرویی یک متری از اتاق مرکزی جدا شده است. این اتاق، یک در ورودی به عرض ۷۰ سانتیمتر دارد. به جهت تخریب زیاد، نمی‌توان در مورد پنجره‌ها و یا طاقچه‌های احتمالی اظهار نظر کرد. ابعاد بنا ۴×۳ متر می‌باشد. نکته‌ی جالب توجه در مورد آن، نبود پنجره برای ارتباط با بیرون، در هر سه اتاق است و هر کدام فقط یک ورودی اصلی دارند. این ورودی‌ها روبه‌روی هم قرار گرفته‌اند. بسته بودن فضا، احتمال نیايشگاه بودن آن را افزایش می‌دهد. از طرف دیگر، آبی که در چشمه‌ها و دست‌کنده‌های واقع در چند متری شرق آنها جاری بوده، توسط جوی‌های باریکی که هنوز رد آنها برجاست، به این بنا هدایت می‌شده است. شیار دیگری که در قسمت جنوبی تر بنا و بر بستر صخره‌ای کنده شده، آب چشمه‌های استراحتگاه را به سمت بنا هدایت می‌کرده است؛ همچنین، وجود نقش برجسته‌ی سر یک گاو که نمادی از الهه‌ی آب، آناهیتاست، احتمال اینکه بنای مذکور مربوط به معبد آناهیتا باشد را افزایش می‌دهد (شکل ۱۴ و ۱۵).

۷. استراحتگاه

آخرین نقطه‌ی قابل استفاده از تنگه، در ضلع شرقی آن است که به‌صورت یک اشکفت ایجاد شده که در طول روز، در سایه قرار دارد. ساکنان تنگه به منظور استراحت و فرار از گرمای تابستان، از این محل استفاده می‌کرده‌اند؛ از آنجا که بستر آن سنگی بوده، سطح اشکفت را به‌صورت ۳ پله‌ای (در مجموع ۳ پله) تراشیده‌اند. ارتفاع هر پله در حدود ۵۰ سانتیمتر و سطح آن به عرض ۷۰ سانتیمتر است. درازای هر پله‌ها به ۶ متر می‌رسد. در میان این پله‌ها، دو حوضچه‌ی سنگی با عمق کم نیز وجود دارد که علاوه بر تلطیف هوای استراحتگاه، زیبایی خاصی به آن داده است؛ از طرف دیگر، آب مازاد حوضچه‌ها، توسط یک شیار که درون صخره حفر کرده‌اند به سمت بنای نیايشگاه



هدایت می‌شود. راه ارتباطی آن به خاطر شیب زیاد به صورت مارپیچ و با قلوه‌سنگ ساخته شده است که بقایای آن هنوز هم دیده می‌شود؛ همچنین، در جلوی اولین پله‌ی استراحتگاه، مصطبه‌ای سنگی ساخته شده و داخل آن را با خاک پر کرده‌اند تا همسطح با اولین پله‌ی سنگی استراحتگاه باشد (شکل ۱۶ و ۱۷).

۸. برج و باروی جنوبی

آثار و بقایای دیوارها و برج‌ها که در منتهی‌الیه سمت جنوبی تنگه قرار دارند، به واسطه‌ی قرارگیری در درون تنگه، از سیلاب‌های فصلی، در امان مانده و تقریباً از بین رفته‌اند. این برج‌ها، در زمان استفاده، مسیر تنگه در سمت جنوب را تحت کنترل داشته‌اند.

۹- آثار معماری غرب تنگه

آثاری از معماری در سمت غرب مسیر رودخانه دیده می‌شود که به دلیل ویرانی و حجم بالای آوار آنها امکان دسترسی به نوع پلان و وضعیت ساختاری بناها وجود ندارد. بنای مصطبه‌ای دیگری در منتهی‌الیه تنگه، در سمت غرب و پشت باروی غربی وجود دارد که امروزه دامداران محلی از آن جهت نگهداری دام‌های خود استفاده می‌کنند؛ همچنین، بناهای پراکنده دیگری در سطح تنگه وجود دارند که به علت خرابی و آشفتگی زیاد، قابل بررسی و توصیف نیستند.

۱۰. مواد و مصالح به کار رفته در بنا

بطور کلی موادی که در ساخت بنای این دژ به کار رفته‌اند؛ عبارتند از: قلوه‌های سنگی ریز و درشت به صورت ناتراشیده و نامنظم و گچ نیم کوب یا ساروج که به عنوان ملات استفاده می‌شده است.

آسیب‌شناسی

از مهم‌ترین عواملی که باعث نابودی آثار معماری این تنگه شده، فرسایش خاک می‌باشد که به واسطه‌ی شیب زیاد تنگه و وجود سیلاب‌های فصلی فراوان بوده که عمده آثار را ویران و بعضاً محو کرده است. در این راستا میراث فرهنگی استان ایلام، اقدام به احداث سیل‌بندهایی در مسیرهای آبراه نموده است.

عامل دیگری که همواره در همه‌ی محوطه‌های تاریخی باعث تخریب آثار می‌شود، وجود حفاران غیرمجاز است که سبب تخریب بیشتر این آثار می‌شوند؛ از طرف دیگر، اهالی منطقه از این تنگه به عنوان منطقه‌ی تفریحی استفاده می‌کنند که رفت و آمد آنان در آسیب‌رسانی بیشتر به بناها مؤثر است.

در متون تاریخی، درباره‌ی «ویرانی شهر سیمره بر اثر زلزله‌ای که در سده‌ی سوم هجری»، رخ داده، مطالبی ذکر شده است (ابن اثیر، ۱۳۸۵: ۱۱۵)؛ شاید همین موضوع، عامل مهم ویرانی بناهای تنگه باشد؛ از طرف دیگر حفاری‌هایی که در شهر سیمره انجام گرفته، «وجود هر گونه زلزله‌ای» که در این شهر

رخ داده باشد؛ به طوری که به قول ابن اثیر، «بیست هزار تن را کشته» باشد، رد می‌کند (لک‌پور، ۱۳۸۹: ۲۲).

سفال‌های تنگه

تمامی سفال‌های یافته شده در تنگه‌ی بهرام چوبین، بدون لعاب هستند که خود به دو گروه ساده و منقوش تقسیم می‌شوند.

سفال‌های ساده: این گونه از سفال‌ها طیفی از رنگ نخودی تا نارنجی دارند. شاموت همگی این سفال‌ها شامل شن ریز و درشت و شن‌های ریز از سنگ آهکی است. در بعضی موارد، مغز سفال‌ها به رنگ قهوه‌ای دیده می‌شود که ناشی از پخت کم سفال‌هاست. گاهی هم با پوشش نازک گلی نخودی و نارنجی سطح سفال‌ها را پوشانده‌اند.

سفال‌های منقوش: نقوش به کار رفته در این نوع سفال‌ها به سه گونه است:

گونه نخست؛ نقش‌ها به صورت نواری طنابی شکل هستند که بیشتر برای تزیین خمره‌های بزرگ به کار رفته‌اند.

گونه‌ی دوم؛ نوارهای برجسته‌ی موازی هستند که در چند ردیف و به صورت افقی دور تا دور ظروف را در بر گرفته‌اند.

گونه‌ی سوم؛ به صورت نوار زنجیره‌ای ممتدی است که دور تا دور ظرف را پوشانده است.

به طور کلی سفال‌های به دست آمده از محوطه‌ی تنگه، بدون لعاب و ساده، همراه با نقوش تزیینی نواری شکل برجسته، هستند. در خاک به کار رفته در ساخت تمام سفال‌های تنگه، قطعات ریز و درشت سنگ آهکی وجود دارد. سفال‌ها به لحاظ فرم، شامل انواع خمره‌ها، سبوا و کاسه‌های بزرگ و کوچک دسته‌دار هستند. از نظر پخت نیز سفال‌ها، در سه نوع پخت کم با مغز قهوه‌ای، پخت کافی و پخت خوب و خمیره‌ی یک دست دیده می‌شود. در میان سفال‌های تنگه، سفال‌هایی نیز وجود دارند که بدنه‌ی آن‌ها به صورت اسفنجی و دارای خمیره‌ی نارنجی رنگ؛ با پخت مناسب و یک دست هستند (طرح شماره ۶).

نتیجه‌گیری

با در نظر گرفتن موقعیت دره‌شهر و جایگاه ویژه‌ی آن در اواخر دوره‌ی ساسانی، به جرأت می‌توان گفت که تنگه‌ی بهرام چوبین بنایی بازمانده از همین دوره است. وجود آثار فراوان از دوره‌ی ساسانی در این منطقه، مواد و مصالح به کار رفته در ساخت این مجموعه؛ همچنین مقایسه‌ی سفال‌های به دست آمده از تنگه با محوطه‌های دیگر حفاری شده مربوط به دوره‌ی ساسانی، احتمال انتساب تنگه‌ی بهرام چوبین به این دوره را افزایش می‌دهد. موقعیت منحصر به فرد تنگه و مشرف بودن آن بر دشت دره‌شهر و وجود برج و باروها، در نگاه نخست؛ آن را ذری مستحکم، می‌نمایاند که در میان صخره‌های طبیعی ساخته شده است. از آن جا که بیشتر سفال‌های به دست آمده از این محل ساده و با ظرافت



کم هستند؛ احتمال نظامی بودن این بناها را افزایش می‌دهد؛ اما سیستم انتقال آبی که در تنگه برای هدایت آب چشمه‌ها به درون بنای موسوم به نیایشگاه وجود دارد احتمال معبد بودن آن را بالا می‌برد؛ علاوه بر آن، وجود نقش برجسته‌ی سر یک حیوان (احتمالاً گاو) بر روی سنگ آب‌ها که در ارتباط با الهه‌ی آب (آناهیتا) است، نشان از مذهبی بودن بناها دارد (تصویر ۱۱ تا ۱۴). با این حال، به‌طور قطع نمی‌توان آن را بنای مذهبی دانست و برای مطمئن شدن از این امر نیاز به حفاری و کاوش در تنگه احساس می‌شود. به هر حال، یکی از مشکلات مربوط به بناهای دوره‌ی ساسانی، نوع کاربری آنهاست؛ نمونه‌ی آن کاخ فیروزآباد است که گاهی به آن، آتشکده نیز اطلاق می‌شود. با این حال، یکی از اهداف ما که شناسایی تنگه‌ی بهرام چوبین و تعیین دوره‌ی زمانی استفاده و بهره‌برداری از آن بود، حاصل شد. این بنا مربوط به اواخر دوره‌ی ساسانی و قرون اولیه اسلامی است که با متروک شدن شهر سیمره، رو به زوال گذاشته است.

در پایان باید یادآور شد که اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش، بر اساس بررسی‌های سطحی، به دست آمده و بهتر آن است که در سطح تنگه حفاری‌هایی صورت گیرد تا بتوان به‌طور کامل با بررسی معماری و دیگر یافته‌های احتمالی به اطلاعات کامل‌تر و بیشتری دست یافت.

پیشنهادات

با توجه به شرایط مجموعه‌های بناهای یاد شده در تنگه‌ی بهرام چوبین، به نظر می‌رسد اگر تلاشی برای سامان‌دهی وضع موجود به عمل نیاید، در اندک زمانی، باقیمانده‌ی آثار نیز رو به ویرانی خواهد رفت. برای جلوگیری از این ضایعه، پیشنهاد می‌شود اداره‌ی میراث فرهنگی، اقدام به محافظت و ساخت مکانی برای حراست از این مجموعه‌ی فرهنگی - تاریخی نماید؛ همچنین، با راهنمایی مسافران و گردشگران، هم از ویرانی تنگه جلوگیری کند و هم این منطقه را به مکان مناسب و امنی جهت استفاده‌ی گردشگران تبدیل نماید.

منابع و مآخذ

الف) منابع فارسی

- ابن اثیر جزری؛ (۱۳۸۵)، لباب‌الباب، ج دوم، بی‌جا: بیروت.
- ابن حوقل؛ (۱۳۴۵)، صوره الارض، ترجمه جعفر شعار، تهران: بنیاد فرهنگی ایران.
- اصطخری، ابوالقاسم ابراهیم؛ (۱۳۶۸)، مسالک الممالک، به اهتمام ایرج افشار، تهران: علمی و فرهنگی.
- راولینسون، هنری؛ (۱۳۶۲)، گذر از ذهاب به خوزستان، ترجمه اسکندر امان‌الهی بهاروند، تهران: آگاه.
- کامبخش فرد، سیف‌الله؛ (۱۳۶۸)، شهرهای ایران، گردآورنده: محمدیوسف کیانی، تهران: جهاد دانشگاهی.
- لسترنج، گای؛ (۱۳۳۷)، جغرافیای تاریخی سرزمین‌های خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان، تهران: بنگاه ترجمه و نشر کتاب.
- لک‌پور، سیمین؛ (۱۳۸۹)، کاوش‌ها و پژوهش‌های باستان‌شناسی دره شهر (سیمره)، سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان ایلام، تهران: مؤسسه فرهنگی انتشارات پازینه.
- محمدی‌فر، یعقوب و عباس مترجم؛ (۱۳۹۰)، «جولیان: آتشکده نو یافته ساسانی در آبدانان ایلام»، فصلنامه



باغ نظر، سال هشتم، شماره نوزدهم، ۷۷-۸۳.
 - مقدسی، ابوعبدالله محمد ابن احمد؛ (۱۳۶۱)، احسن التقاسیم من معرف الاقالیم، تطبیق و تنظیم: علینقی منزوی، ج دوم، تهران: شرکت مؤلفان و مترجمان ایران.

ب) منابع انگلیسی

- Alden, J.R. (1978). "Excavation at Tal-e Malyan, part I, A sasanian Kiln", Iran. Vol 101-93, 16.
- Azarnoush, M. (1994). "The Sasanian Manor House at Hajiabad", Iran; Monography di Mesopotamia III (Florance, Firenze, Case Editrice letter, 1994).
- Deshayes, J. (1987). Fouilles De Turang Tepe 2. Les periods sassanides ET Lamiques [The Tape excavations Turangi Sasanian period and Lamiques]. Paris: Editions Recherche sur les civilisations.
- Keall, E. J. & Keall, M. (1981). "The Qaleh-I Yazdigird Pottery: A Statistical Approach". Iran. Vol 80-31, 19.
- Priestman, S. (2013), Sasanian Ceramics from the Gorgan Wall and other sites on the Gorgan Plain, British Institute of Persian Studies Archaeological Monographs Series II, Oxbow: Oxford, 534-447.
- Ricciardi, R.V. (71-1970). "Sasanian Pottery from Tell Mahuz". Mesopotamia, Vol 6 & 5.
- Stein, Aurele. (1940), Old Routes of Western Iran, London.



تصاویر

شکل (۱). موقعیت تنگه‌ی بهرام چوبین



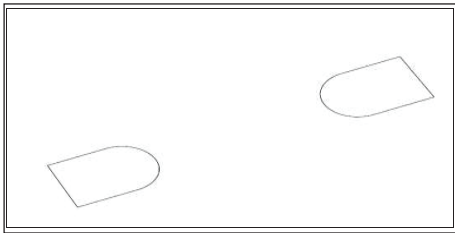
شکل (۲). دشت دره شهر



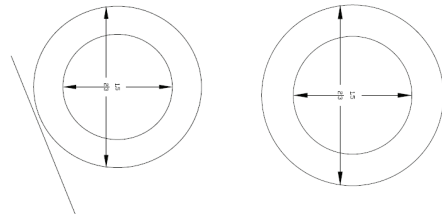
شکل (۳). درب ورودی



شکل (۴ و ۵). ستون‌های پل



طرح شماره‌ی (۱). پلان پل



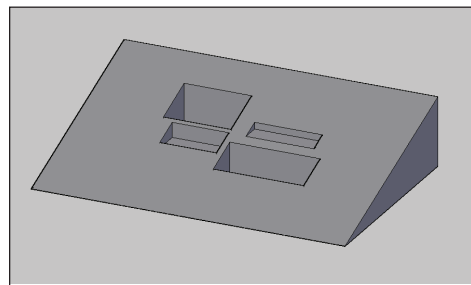
طرح شماره‌ی (۲). پلان برج‌های شرقی و غربی



شکل (۸ و ۹). برج و باروی غربی



شکل (۱۰) نمای از سنگ آب‌ها



طرح شماره‌ی (۳). برداشت از سنگ آب



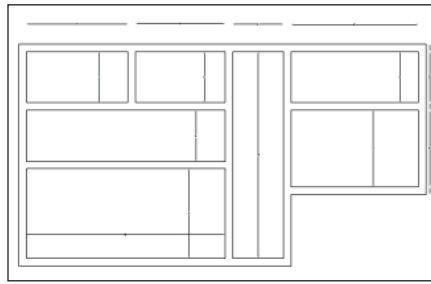
شکل (۱۱)



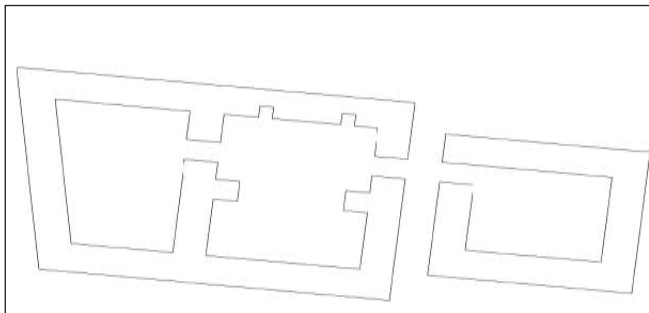
شکل (۱۲) بنای نیایشگاه



شکل (۱۳) بنای نیایشگاه



طرح شماره ۵ (۵). پلان بنای شرقی



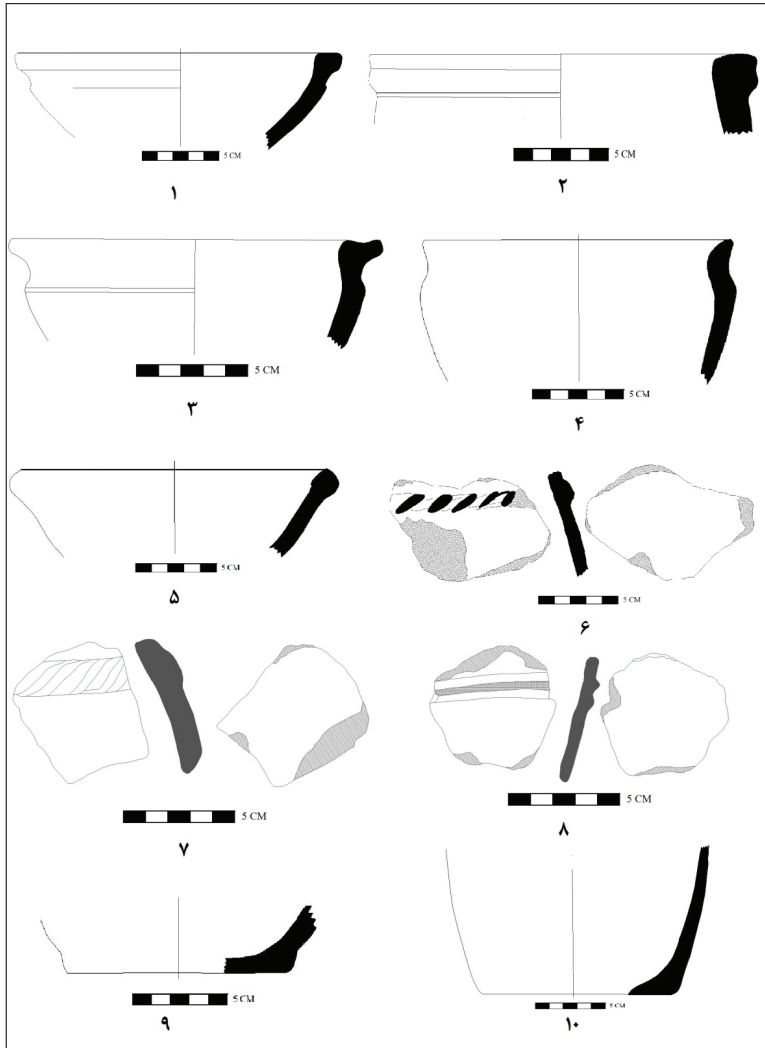
طرح شماره ۴ (۴). پلان بنای نیایشگاه



شکل (۱۴ و ۱۵) نقش برجستهی سر حیوان (احتمالاً گاو)



شکل (۱۶ و ۱۷). استراحت گاه



طرح شماره‌ی (۶). منتخبی از طرح سفال‌های تنگه‌ی بهرام چوبین

مقایسه‌ی سفال‌های تنگهی بهرام چوبین با مناطق دیگر

ردیف	شماره‌ی طرح	مشخصات	مقایسه
۱	TB923	لبه، خمیره‌ی نارنجی، بدون پوشش، شن ریز و سنگ ریزه سازآهکی، پخت ناقص، مغز قهوه‌ای، چرخ	محمدی‌فر، ۱۳۹۰، تصویر ۶، شماره ۴ کال، ۱۹۸۱، شکل ۱۸ شماره‌ی ۱۷، شکل ۱۹ شماره‌ی ۳ دیشیز، ۱۹۸۷، شکل ۵۱ شماره‌ی ۳
۲	TB924	لبه، خمیره‌ی نخودی مایل به صورتی، بدون پوشش، شن ریز و سنگ ریزه آهکی، پخت کامل، چرخ‌ساز	محمدی‌فر، ۱۳۹۰، تصویر ۶، شماره ۶ کال، ۱۹۸۱، شکل ۱۲ و ۱۴ شماره‌ی ۱، ۴ و ۷
۳	TB925	لبه، خمیره‌ی نخودی مایل به صورتی، بدون پوشش، شن ریز و سنگ ریزه آهکی، پخت کامل، چرخ‌ساز	کال، ۱۹۸۱، شکل ۱۲ و ۱۱ شماره‌ی ۷
۴	TB916	لبه، خمیره‌ی نارنجی - قرمز، بدون پوشش، شن ریز و سنگ ریزه آهکی، پخت ناقص، مغز قهوه‌ای، چرخ‌ساز	کال، ۱۹۸۱، شکل ۱۹ شماره‌ی ۸ دیشیز، ۱۹۸۷، شکل ۹۵ آذرنوش، ۱۹۹۴، شکل ۱۷۱ لک پور، ۱۳۸۹، طرح ۳۳، شماره ۲۰۹
۵	TB917	لبه، خمیره‌ی قهوه‌ای، پوشش نخودی، شن ریز و سنگ ریزه آهکی، پخت ناقص، مغز قهوه‌ای، چرخ‌ساز	کال، ۱۹۸۱، شکل ۱۴، ۱۹ و ۲۹ آلدن، ۱۹۸۷، شکل ۵ و ۶ ریکیاردی، ۱۹۷۱، شکل ۷۵ دیشیز، ۱۹۸۷، شکل ۴۱ و ۵۰ شماره‌ی ۱۱ و ۱۲
۶	TB918	بدنه، خمیره‌ی نارنجی، بدون پوشش، شن ریز و سنگ سازریزه آهکی، پخت کامل، نوار برجسته‌ی طنابی، چرخ	کال، ۱۹۸۱، شکل ۲۷ شماره‌ی ۴، ۵، ۶ و ۷
۷	TB929	بدنه، خمیره‌ی نارنجی مایل به صورتی، بدون پوشش، شن ریز و سنگ ریزه آهکی، پخت کامل، نوارهای سازبرجسته‌ی موازی، چرخ	
۸	TB9110	بدنه، خمیره‌ی نارنجی مایل به صورتی، بدون پوشش، شن ریز و سنگ ریزه آهکی، پخت ناقص، نوار برجسته‌ی سازطنابی یا زنجیره‌ای، چرخ	آذرنوش، ۱۹۹۴، شکل ۱۸۵ کال، ۱۹۸۱، شکل ۲۵، ۴n
۹	TB921	کف، خمیره‌ی نارنجی، بدون پوشش، شن ریز، پخت سازکامل، چرخ	پریسمن، ۲۰۱۳، شکل ۱۸: ۱۱
۱۰	TB12	کف، خمیره‌ی نارنجی روشن، بدون پوشش، شن ریز و سازسنگ ریزه آهکی، پخت کامل، چرخ	